

مطالعات تاریخ فرهنگی؛ پژوهش‌نامه‌ی انجمن ایرانی تاریخ
سال دهم، شماره‌ی چهارم، تابستان ۱۳۹۸، صص ۲۵-۱
(مقاله علمی - پژوهشی)

تأثیر تداوم کارکرد در ماندگاری بافت تاریخی شهر زواره^۱

سیما خالقیان،^۲ ابوذر صالحی^۳

چکیده

امروزه جوامع پیوسته شاهد ساختمان‌های در حال تخریب‌اند. در این باره به دلایلی متعدد، از جمله پیشرفت تکنولوژی و بیماری فرهنگی، مصیبت تخریب بی‌رویه و حمل‌ونقل نخاله‌های بنا گریبان جامعه ایران را گرفته است. به نظر می‌رسد ضرورت طولانی‌بودن عمر مفید بناها پس از ورود ایران به دوره‌ی تجدد، به دست فراموشی سپرده شده است. حال آنکه ماندگاری معماری در جامعه‌ی سنتی ایران، همواره مورد توجه و الگوهای این معماری ضامن تداوم حیات بناها در طول زمان بوده است. بناهایی در بافت‌های تاریخی ایران وجود دارد که عمر مفید چندصدساله دارند. در این راستا، هدف این پژوهش شناخت تأثیر تداوم کارکرد در ماندگاری بافت تاریخی شهر زواره است. نتیجه‌ی این پژوهش نشان می‌دهد بقای کالبد در گرو استفاده‌ی عملکردی متداوم از بناست. معماری برای آنکه زنده بماند، باید به نیازهای روز جامعه پاسخ دهد. تداوم کارکرد یکی از اصول ماندگاری بافت تاریخی شهر زواره است و «حضورپذیری» و «انعطاف‌پذیری» معماری سنتی آن را تضمین می‌کند. واژه‌های کلیدی: تداوم کارکرد، ماندگاری بنا، بافت تاریخی زواره

۱. این مقاله برگرفته از پایان‌نامه‌ی کارشناسی‌ارشد سیما خالقیان با عنوان «عوامل معمارانه‌ی تأثیرگذار بر ماندگاری معماری سنتی ناحیه‌ی فلات مرکزی ایران (نمونه‌ی مطالعاتی: بافت تاریخی شهر زواره)» به راهنمایی دکتر ابوذر صالحی و مشاوره‌ی دکتر نیما ولی‌بیگ و دکتر محسن عباسی‌هرفته در دانشگاه هنر اصفهان است.

۲. دانش‌آموخته‌ی کارشناسی‌ارشد دانشگاه هنر اصفهان (نویسنده‌ی مسئول)، (sima.khaleghian@yahoo.com).

۳. استادیار گروه معماری دانشگاه هنر اصفهان، (absalehi.arch@gmail.com).

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۶/۲۳، تاریخ تأیید: ۱۳۹۹/۰۳/۱۹.

مقدمه

ماندگاری بیشتر بناها برای سکنی گزیدن انسان، مطلوب هر جامعه‌ای است؛ چراکه ساخت و تخریب بی‌درپی بناها نوعی اتلاف انرژی و سرمایه‌های کشور است. این در حالی است که امروزه به بناهای معاصری که روزآمدی را نمی‌پذیرند، واژه‌ی کلنگی اطلاق می‌شود و این بناها آماده‌ی تخریب می‌شوند. در مقابل به نظر می‌رسد معماری ایرانی در ارتباط با ماندگاری و طولانی‌بودن عمر مفید بنا اصولی داشته است که معماران بر اساس آن عمل می‌کرده‌اند.

تأمین الزامات استفاده‌ی عملکردی متداوم از بنا، یکی از عوامل مهم مؤثر در ماندگاری معماری سنتی ایران است. بخش اعظمی از بناها، نه یادمان‌هایی که صرفاً کارکرد نمادین داشته باشند، بلکه ساختمان‌هایی بودند که به مجموعه‌ای از نیازها و پیشامدهای کاربردی پاسخ می‌دادند (بهشتی، ۱۳۷۸، ۱۴۰). اگرچه به نظر می‌رسد عوامل گوناگونی از جمله عوامل جغرافیایی، کالبدی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در ماندگاری بناها تأثیرگذار بوده‌اند، این نوشتار فقط نگاهی به عوامل کارکردی تأثیرگذار در ماندگاری بناها انداخته است و می‌کوشد با مطالعه‌ی بافت تاریخی شهر زواره عوامل تأثیرگذار در تداوم کارکرد بناهای سنتی در این شهر را استخراج کند.

در مطالعات پیشینه، بعضی از پژوهش‌ها به عوامل مؤثر در تداوم کالبد معماری پرداخته‌اند. توجه به ایستایی، مصالح مورد استفاده و مقابله با عوامل آسیب‌رسان مانند رطوبت از این جمله‌اند. مسئله‌ی دوام در معماری باید هم در مرحله‌ی طراحی و هم در مرحله‌ی اجرا رعایت شود. همچنین تلاش برای ایجاد طول عمر ساختمان‌ها باید در نظام آموزش معماری ارائه شود (Celadyn, 2015; Dias, 2003; Hees & Naldini & Roos, 2014). پژوهشی دیگر به تعریف و تفسیر تداوم و مانایی در معماری از دیدگاه چهار اندیشمند غربی می‌پردازد؛ نویسنده معتقد است اگر مانایی در گذشته، مبارزه با طبیعت بود، امروز مبارزه‌ای برای حفظ طبیعت است. سپس خاطرنشان می‌سازد که مانایی بناها می‌تواند در حل بحران تولید سرسام‌آور نخاله‌های ساختمانی، یک‌بار مصرف‌بودن معماری و آسیب‌های فرهنگی و زیست‌محیطی ناشی از آن مؤثر باشد. نویسنده معتقد است با اعتقاد

تأثیر تداوم کارکرد در ماندگاری بافت تاریخی شهر زواره | ۳

به ماندگاری ساختمان‌ها و ضرورت احیای فرهنگ حفظ و نگهداری نسل‌های پیشین، می‌توان با تفکر نظام سرمایه‌داری که تشنه‌ی استفاده از منابع طبیعی است، مبارزه کرد (Touw, 2006).

بعضی دیگر از پژوهش‌ها به مفاهیم معنوی نهفته در تداوم، جاودانگی معماری، تعریف ماندگاری از دیدگاه اندیشمندان غربی و همین‌طور راز معماری سعادت‌بخش پرداخته‌اند. این پژوهش‌ها راز جاودانگی معماری را در حضور عنصر معنویت، اصول معماری ایرانی پیرنیا، توجه به طبیعت و صفات خداوند، تفکر وحدانی، نیت خالصانه‌ی معماران و الگومداری دانسته‌اند (پورجعفر، ۱۳۸۲، ۵۱-۵۴؛ الکساندر، ۱۳۸۶، ۲۰۴؛ شفیعیان‌داریانی و پورجعفر و قبادی، ۱۳۹۳؛ عباسی‌هرفته، ۱۳۹۳، ۲۵۵-۲۵۷). مسئله‌ی این پژوهش برای همه‌ی محققان این حوزه مطرح است؛ ولی به‌صورت بدیهی راه‌حل آن محکم‌ترساختن بنا، تقویت سازه یا استفاده از فناوری‌های نوین در معماری دانسته شده است. هر یک از این پژوهش‌ها شامل نکات ارزنده و قابل‌توجهی است که با دقت و تأمل به آن پرداخته شده است، ولی تاکنون در هیچ یک، سؤال مشترکی با این پژوهش وجود نداشته است و مطالعاتی در زمینه‌ی تأثیر تداوم کارکرد در ماندگاری معماری سنتی صورت نگرفته است. این تحقیق در زمره‌ی تحقیقات کیفی است و به روش نظریه‌ی زمینه‌ای انجام شده است. نظریه‌ی زمینه‌ای نظریه‌ای برگرفته از داده‌هایی است که در طی فرایند پژوهش به‌صورت نظام‌مند جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل می‌شوند. بخشی از داده‌ها از طریق مطالعات میدانی، مصاحبه‌ی نیمه‌ساختاریافته با مردم زواره و استفاده از دانش بومی معماری منطقه استخراج شده است. مصاحبه‌شوندگان با نمونه‌گیری هدفمند و نظری، شامل ۲۰ نفر از معماران سنتی و مردم بومی شهر زواره در محدوده‌ی سنی بالای ۵۰ سال انتخاب شدند. اندازه‌ی نمونه بر این اساس مُعین شد که داده‌ها به اشباع نظری برسند. به بیان دیگر نتوان مفهوم جدیدی از مصاحبه‌ها استخراج کرد. مطالعات میدانی بر پایه‌ی شناخت بافت زواره و یافتن عوامل کارکردی مؤثر در طولانی‌بودن عمر مفید معماری در این شهر است. همچنین در ادامه بخش قابل‌توجهی از داده‌ها به روش کتابخانه‌ای گردآوری شده است. گردآوری داده‌ها در نظریه‌ی زمینه‌ای تا سرانجام تحقیق و اشباع نظری کُدها

ادامه می‌یابد. پس از آن محقق تلاش می‌کند داده‌ها را به شیوه‌ی کدگذاری در سه مرحله دسته‌بندی کند. در مرحله‌ی بعد رابطه‌ی بین مقوله‌ها و زیرمقوله‌های به‌دست‌آمده بر اساس مدل مطرح‌شده در روش استراوس و کربین، یافته شد.

یافته‌های پژوهش

تحلیل داده‌های جمع‌آوری‌شده از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی منجر به استخراج دو مقوله‌ی اصلی «اجتماع‌پذیری» و «انعطاف‌پذیری» شد که در ادامه به توضیح آن پرداخته خواهد شد.

اجتماع‌پذیری / حضورپذیری

می‌توان گفت ماندگاری بافت تاریخی، چه در زمان حاضر و چه در تداوم آن در طول تاریخ، به حضور آدمی و ارتباط کنش‌مند او با محیط وابسته است. گاه اتفاق می‌افتد که ساختمانی در اثر متروک‌شدن و عدم استفاده در یک بازه‌ی زمانی طولانی‌مدت، کارایی خود را از دست داده و تخریب شده است؛ چنان‌که در بعضی از شهرهای ایران، مانند یزد، با پیدایش بافت جدید رفته‌رفته تمایل مردم به زندگی در بافت سنتی کاهش یافته است؛ امری که در پی آن، بی‌شک تخریب بافت سنتی به‌مرور زمان رخ می‌دهد. بدین معنا، حضور افراد در فضاها می‌تواند عاملی در جهت برپاماندن بنا باشد؛ از این‌رو ضروری است برای ماندگاری بناها و بافت تاریخی، از متروک‌ماندن و از رونق‌افتادن آن در مقیاس‌های مختلف جلوگیری شود.

اجتماع‌پذیری محله و افزایش حس تعلق ساکنان

حضور در فضاها‌ی عمومی بخش مهمی از زندگی روزمره است (شجاعی و پرتوی، ۱۳۹۴، ۹۴، به نقل از Gehle & Lars, 2004). در این ارتباط، فضاها‌ی شهری «تجمع‌پذیر»، مکان‌هایی برای حضور شهروندان و مشارکت آنان در زندگی جمعی‌شان است و پرداختن به کیفیات آنها سرزندگی‌شان را به حداکثر می‌رساند (حمزه‌نژاد و شریفیان، ۱۳۹۵، ۸۵).

تأثیر تداوم کارکرد در ماندگاری بافت تاریخی شهر زواره | ۵

بدین‌قرار از الزامات اصلی فضای عمومی در شهر، زمینه‌سازی برای حضور مردم و به‌عبارتی، «اجتماع‌پذیری» است. در این باره هانگ، نوع فضا و عناصر شهری را دو عامل اثرگذار در تعاملات اجتماعی می‌داند و این فضاها را بر اساس کیفیت فضایی‌شان به پنج دسته طبقه‌بندی می‌کند: «فضای نشستن»، «فضای خوش‌منظر»، «فضای حرکتی»، «فضای فعالیتی» و «فضای بدون عملکرد» (2006, p.197) و مهم آنکه در محله‌های سنتی نمونه‌هایی از همه‌ی این عوامل را می‌توان پی‌جویی کرد؛ مثلاً شاید بتوان پیرنشین‌ها را به‌عنوان فضای نشستن، میل‌ها و مناره‌ها، گنبدها و فضاهای سبز را به‌عنوان فضای خوش‌منظر، حیاط‌های همسایگی و بن‌بست‌های نیمه‌خصوصی را به‌عنوان فضاهای فعالیتی، و در نهایت بازار و حسینیه‌ها را به‌عنوان فضاهای حرکتی، و همگی را عواملی تأثیرگذار در اجتماع‌پذیری و در نتیجه ماندگاری بافت تاریخی شهر زواره دانست.



تصویر (۱) (بی‌نام؛ بی‌تا، حضور مردم در مراسم تعزیه‌خوانی و نخل‌برداری در حسینیه‌های

کوچک و بزرگ) (www.hosseiniebozorg.com)

گفته می‌شود که در بافت تاریخی، ساکنان محله‌ها با هم ارتباطی نزدیک و تنگاتنگ داشته‌اند؛ ضمن آنکه محلات، پاسخگوی نیاز انسان به حضور در فضای محله برای گذراندن اوقات فراغت، گردش، استراحت و... بوده‌اند؛ در مقابل، آنچه در محله‌های امروزی مشاهده می‌شود، عموماً کاهش سطح ارتباط ساکنان با یکدیگر از سویی، و کاسته شدن از احساس تعلق به اجتماع‌های محلی است (بهزادفر و طهماسبی، ۱۳۹۲، ۱۸). حضور مردم در مراسم مذهبی مانند تعزیه‌خوانی و نخل‌برداری در حسینیه‌های کوچک و بزرگ، وجود پاتوق‌های محله‌ای و تجمع مردم در حسینیه‌ها در بافت قدیم زواره، تجمع سالمندان در بن‌بست‌های نیمه‌خصوصی در بافت قدیم زواره، نشان از اجتماع‌پذیری بافت تاریخی شهر زواره دارد و احساس تعلق ساکنان به محل زندگی مقوله‌ای تکرارشونده در بین کدهای پژوهش است.

در مجموع تداوم محله زمانی محقق می‌شود که ساکنان از زندگی در خانه و محله‌ی خود رضایت داشته باشند و از همسایگی و ماندگار شدن در محله‌ی خود لذت ببرند. در این حالت با گذشت زمان، تعاملات اجتماعی در محله بیشتر می‌شود، ساکنان نسبت به محله‌ی خود تعلق خاطر پیدا می‌کنند و در پی آن در نگهداری و بهبود وضعیت محله مشارکت می‌کنند؛ امری که شاخص اصلی و دلیل ماندگاری محله خواهد بود (کلانتری خلیل‌آباد و درخشانی، ۱۳۹۳، ۴). در واقع اجتماع‌پذیری به افزایش حس تعلق مردم نسبت به محله کمک می‌کند. افزایش حس تعلق نسبت به فضای زندگی، حضورپذیری بنا یا بافت و در نتیجه تداوم کارکرد آن را سبب می‌شود؛ بنابراین حضورپذیری و اجتماع‌پذیری در مفهوم کلی‌تر از جمله‌ی عوامل تأثیرگذار در طولانی‌بودن عمر مفید معماری‌اند.

مرکزگرایی

مرکزگرایی یا توجه به مرکز از ویژگی‌های معماری ایران است. اهمیت این موضوع نیز تا آنجاست که به نظر می‌رسد تقویت و تضعیف مرکزیت بنا یا بافت، باعث حفاظت از بنا یا آسیب‌رساندن به آن می‌شود. به عبارت دیگر، از جمله‌ی عوامل مهمی که بقای آثار معماری

تأثیر تداوم کارکرد در ماندگاری بافت تاریخی شهر زواره | ۷

را به خطر می‌اندازد، خارج شدن آنها از مرکزی که در آن قرار داشته‌اند یا به حاشیه کشانده شدن مراکز آنهاست.



تصویر (۲). (شهرداری زواره، ۱۳۶۷، محدوده‌های گسترش شهر در جهت جنوب غربی)



تصویر (۳). (شهرداری زواره، ۱۳۶۷، محدوده‌ی محلات بافت قدیم و محلات گسترش یافته تا سال ۱۳۴۳)

به سخن دیگر، «یک اثر تاریخی تنها در فضای زندگی داخلی خود رشد نمی‌کند، بلکه هم از زندگی خود و هم از روابط وسیعی که با همه‌ی بناهای مهم شهر برقرار می‌کند، متأثر

است» (عباسی هرفته، ۱۳۹۴، ۲۰). هر بنا در محدوده‌ای که قرار می‌گیرد، مرکزی را با توجه به مقیاس کالبدی و کارکردی خود تعریف می‌کند؛ چنان‌که در بافت‌های تاریخی مورد بررسی نیز به نظر می‌رسد در گذشته، مرکزیت بناها بدین معنا نه تنها تضعیف نشده، بلکه غالباً محترم شمرده و گاه تقویت هم شده است.

شهرهای تاریخی ایران معمولاً مانند یک کل مرکب از اجزایی مانند محله‌ها و نیز مرکز شهر شامل بازار و عناصر مرتبط با آن بوده‌اند؛ در غالب شهرهای ایران می‌توان ویژگی‌ها و اصول مشترکی مانند پیوند میان مرکز شهر و مراکز محلات، مرکزیت، پیوند میان شبکه‌ی راه‌های منطقه‌ای با شبکه‌ی گذرهای اصلی، قلمرو محله‌ای و سلسله‌مراتب در ساختار کالبدی و اجتماعی یافت (ثقه‌الاسلامی و امین‌زاده، ۱۳۹۰، ۳۵-۳۶).

بدین معنا، شهر ایرانی بر اساس وجود مراکز اصلی که عملکردهای عمومی شهر را در خود دارد، شکل گرفته است. ضمن آنکه این مراکز، معمولاً در کنار یک راه ارتباطی یا در مکان برخورد چند راه اصلی و فرعی قرار گرفته و بدین ترتیب از موقعیت بهتری بهره‌مند شده‌اند (غفاری، ۱۳۷۹، ۲۵). شهر زواره نیز از دیرباز در طول تاریخ گذشته‌ی خود از موقعیت ارتباطی بااهمیتی برخوردار بوده است؛ به‌طوری که راه‌های کاروان‌روی منطقه‌ای، راه‌های فرعی داخل کشوری و راه‌های اصلی، که شامل دو راه شرق به غرب است، از کنار این شهر عبور می‌کرده است (کیانی، ۱۳۶۸، ۲۷۰). محیط طباطبایی می‌نویسد: «در سده‌ی اول اسلامی راه ارتباط میان خوزستان و بین‌النهرین با خراسان به واسطه‌ی وضع نامساعدی که در شاهراه قدیمی ری و قومس از سرکشی سپهبدان طبرستان به وجود آمده بود، مورد استفاده قرار نمی‌گرفت و ناگزیر، بایستی از درون کویر مرکزی و یا از فارس و کرمان و سیستان، طی مسیر می‌کردند. این امر به زواره که در کنار دشت کویر قرار داشت، موقعیت ممتازی بخشیده بود» (گلبن، ۱۳۸۱، ۹۳). ارتباط مستقیم زواره با شهرهایی مانند کاشان، یزد، کرمان، مشهد، تهران و اصفهان، موجب رونق خاص منطقه شده بود؛ به‌طوری که تا قبل از ورود اتومبیل و احداث جاده‌ی مستقیم نطنز به اردستان و نایین، کاروانیان در مسیر خود به زواره می‌رسیدند. این راه‌های ارتباطی در گذشته‌های دور برقرار بوده است و در حال حاضر (به‌استثنای راه زواره - اردستان) دیگر وجود ندارند (غفاری، ۱۳۷۹، ۲۰ و

[Downloaded from chistorys.ir on 2024-04-28]



[Downloaded from chistorys.ir on 2024-04-28]

[DOI: 10.29252/chs.10.40.1]

قرار داشته است، امروزه به واسطه‌ی ازدست‌رفتن این مرکزیت، در حال تخریب و متروک‌شدن‌اند. با شکل‌گیری مراکز جدید شهری که نسبت تعریف‌شده‌ای با مراکز و بافت‌های قدیم ندارند، روند روبه‌افزایش تخریب در بافت‌های تاریخی خارج‌شده از مرکز، قابل مشاهده است. بافت تاریخی نایین، زواره و دزفول از مصادیق بارز این موضوع‌اند (همان‌جا). در این باره، مقایسه‌ی عکس هوایی سال ۱۳۴۳ با عکس هوایی سال ۱۳۶۳ رشد کالبدی شهر زواره در مسیر جاده‌ی اردستان - زواره را نشان می‌دهد که شکل‌گیری آن از ارزش‌های کالبدی دوره‌ی گذشته پیروی نمی‌کند (کیانی، ۱۳۶۸، ۲۷۳). در توسعه‌ی اخیر، سازمان فضایی، دسترسی‌ها و توزیع بعضی خدمات باعث شده است که توسعه‌ی شهر حالتی خطی به خود بگیرد (تصاویر شماره‌ی ۲ و ۳).^۱

بدین ترتیب «ساختار اصلی شهرهای تاریخی بر نسبت میان مرکز شهر و مراکز محلات و ارتباط میان آنها استوار است» (حبیبی، ۱۳۸۲، ۳۴). حفظ مرکزیت به معنای یادشده، موجب افزایش میزان حضورپذیری در فضاهای شهری می‌شود و این عامل نیز خود،

۱. در حال حاضر گران‌ترین محلات مسکونی زواره در داخل بافت جدید و نزدیک به بافت قدیم است؛ مانند محلات شور و پشت مشهد. محلات بافت قدیم و محلات پایین‌تر شهر (به سمت جنوب‌غرب)، از لحاظ قیمت زمین در درجه‌های دوم و سوم قرار می‌گیرند. علت این امر این است که در محلات قدیمی، مشکل عبور و مرور و پارک خودرو وجود دارد. محلات پایین‌شهر هم که ماشین‌رو است، آسفالت نشده و امکانات رفاهی (همچون مراکز خرید و خدماتی) بسیار کم است و ساکنان آن اکثراً به مرکز شهر رجوع می‌کنند؛ بنابراین محلات جدید حاشیه‌ی بافت قدیم به علت امکان تردد خودرو، خیابان‌های آسفالت‌ه، نزدیکی به مرکز شهر (بافت قدیم) و بهره‌مندی از امکانات رفاهی بیشتر و همچنین عناصر تاریخی شهر (نظیر مساجد و حسینیه‌ها)، از ارزش مکانی و مادی بیشتری برخوردارند (صادقی‌فرد، مصاحبه‌ی شخصی). بافت‌های تاریخی در گذر زمان، با تحولات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، دچار فرسودگی مسکونی و تنزل رتبه‌ی محیطی شده‌اند. طی مشاهدات صورت‌گرفته، در حال حاضر این بافت ارزشمند نقش تأثیرگذار و کارآمد خود را از دست داده، تداوم و کیفیت زندگی در آن بی‌رونق شده و با مهاجرت ساکنانش به بافت جدید مواجه شده است. در نتیجه جمعیت غالب ساکن در بافت قدیم را افراد مسن تشکیل می‌دهند. تأکید بر حضور افراد بومی در منطقه، به این دلیل است که بنیان‌های فرهنگی، سنن و ارزش‌های بومی در معرض نابودی قرار گرفته‌اند؛ در حالی که هسته‌ی قدیمی شهرها و آبادی‌ها، مهم‌ترین عامل فرهنگی، هویتی و تداوم تاریخی به شمار می‌آیند (غفاری، ۱۳۷۹، ۶۱).

ماندگاری بافت‌های شهری و بناهای موجود در آن را تا حد بسیاری تضمین می‌کند.

انعطاف‌پذیری

انعطاف‌پذیری^۱ در لغت به معنای «قابلیت برای سازگاری با شرایط و تغییرات جدید» (Merriam – Webster dictionary) و «قابلیت برای مقابله با شرایط متغیر» (American heritage dictionary) است. انعطاف‌پذیری به مفهوم قابلیت تغییرپذیری^۲ یک نظام است، بی‌آنکه خصوصیات و پیکربندی اصلی آن دستخوش تغییری شود (Wielland & Wallburg, 2012, p.890).

در خصوص آثار معماری به نظر می‌رسد اگر ویژگی انعطاف‌پذیری در طرح آنها دیده شده باشد، در تمامی دوران حیاتشان می‌توانند پاسخگوی نیازهای کاربران باشند؛ از آن جهت که این نیازها غالباً در طول زمان دچار تغییراتی می‌شوند. اساساً بسیاری از بناها نه به‌خاطر ناکارایی در مصالح یا تجهیزا‌شان، بلکه به‌خاطر عدم امکان تغییر و اصلاح عملکردشان تخریب می‌شوند. درست است که معمولاً بسیاری از اسباب و لوازم پیرامون نیز به‌علت پیشرفت فناوری غیرقابل استفاده و به‌راحتی به دور انداخته می‌شوند، اما یک سرپناه به‌سادگی نمی‌تواند به دور انداخته شود؛ از این‌رو لازم است در ساختمان‌ها امکان بسط و قبول فناوری نو برای پاسخ به نیازهای جدید وجود داشته باشد (کلانترمهرجودی، ۱۳۸۸، ۷).

در این پژوهش گونه‌های انعطاف‌پذیری تحت عناوین «تنوع‌پذیری»، «تطبیق‌پذیری» و «تغییرپذیری» تعریف شده‌اند.^۳ در ادامه به شرح گونه‌های انعطاف‌پذیری، مصادیق آن در بافت تاریخی شهر زواره و نقش آنها در ماندگاری بناها پرداخته می‌شود.

تغییرپذیری

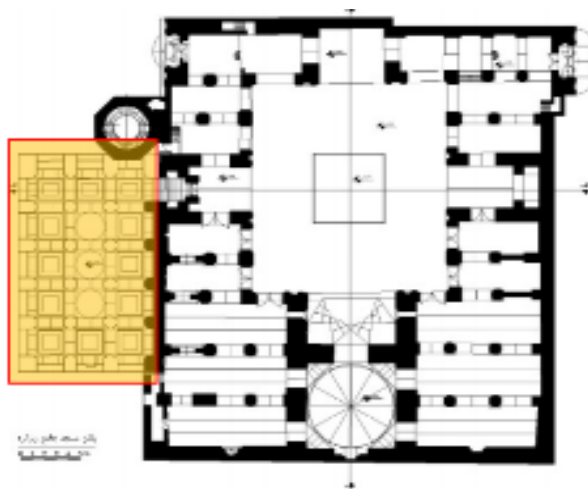
«در طراحی بنا، تغییرپذیری به افزایش و کاهش کمی یا تفکیک و تجمیع فضاها و امکان

1. Flexibility

2. Robustness

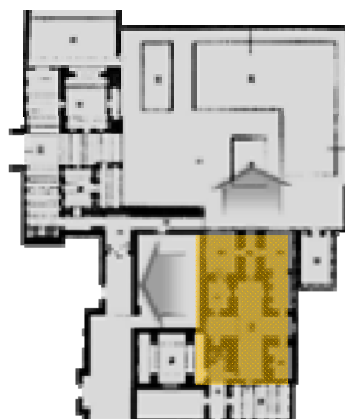
۳. این دسته‌بندی بر اساس طرح پژوهشی انجام‌شده‌ی علیرضا عینی‌فر (۱۳۸۲) با عنوان «الگوی برای انعطاف‌پذیری در مسکن سنتی ایران» صورت گرفته است.

بازگشت به طرح اولیه بنا پس از گسترش یا تقلیل مساحت آن گفته می‌شود. همچنین با این ویژگی، تفکیک فضاها (بدون تغییر مساحت) قابل دست‌یافتن است؛ آنچه در گسترش افقی یا عمودی بناها و برای مثال تفکیک خانه‌های چندحیاطی و استفاده از آن برای زندگی خانوادگی گسترده در مراحل مختلف زندگی کاربرد داشته است» (عینی‌فر، ۱۳۸۲، ۷۰). برای مثال حسینیه‌ی بزرگ زواره، متعلق به دوران صفویه است؛ این بنا ابتدا در یک طبقه با عناصر اصلی خشت و گل شکل گرفته و سپس در دوره‌ی قاجاریه طبقه‌ی دیگری شامل غرفه‌ها روی آن ساخته شده است؛ به‌علاوه نمای آجری جایگزین نمای خشتی شده است. همچنین شبستان ضلع غربی (شبستان زمستانی) مسجدجامع زواره را که در فضایی خارج از مسجد اصلی بنا شده، در قرن ۱۳ ق میر محمدعلی طباطبایی به مسجد اضافه کرده است (نصراللهی، ۱۳۹۲، ۹۷) (تصویر شماره‌ی ۵). بی‌شک نیاز شهر زواره به فضای بیشتر برای حسینیه و مسجد، با توجه به رشد جمعیت، موجب تغییراتی در این دو بنا شده است.

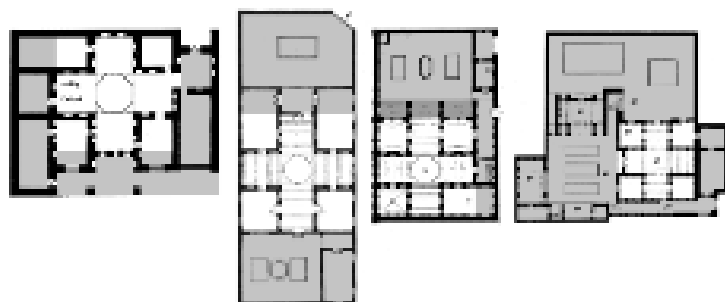


تصویر (۵). موقعیت شبستان زمستانی مسجدجامع زواره در ضلع غربی
(نصراللهی، ۱۳۹۲، ۹۷).

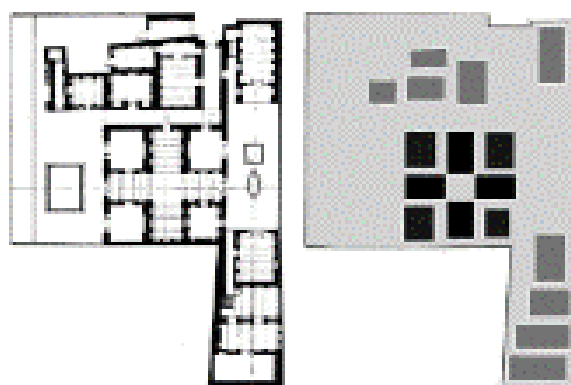
قابلیت تغییر علاوه بر بناهای عمومی شهر، در خانه‌ها نیز مطرح است (معماریان، ۱۳۹۱، ۱۴۹). در خانه‌های زواره، فضای مرکزی با الگوی چهارصفه شکل گرفته است. آنچه غیر از چهارصفه دیده می‌شود، نتیجه‌ی توسعه‌ی مرحله‌به‌مرحله‌ی بنا و الحاقات در طول دوره‌های تاریخی است (تصویر ۶ و ۷)؛ از این رو، با وجود منظم‌بودن ساختار نما، پلان این خانه‌ها در بخش‌های بیرون از چهارصفه، نظم و محوری و ویژه‌ی نشان نمی‌دهد و این موضوع نتیجه‌ی گسترش خانه به صورت تدریجی از فضای چهارصفه به سمت بیرون است. این گسترش معمولاً در راستای تقریبی جنوب و شمال و در جهت رون اصلی ساختمان بوده است (غلامی و کاویان، ۱۳۹۴، ۱۵۲) (تصویر شماره‌ی ۸). هر خانواده با توجه به نیاز و توان مالی خود، فضاهایی به هسته‌ی چهارصفه اضافه کرده است. هسته‌ی مرکزی چهارصفه به دو شیوه‌ی زیر (یا ترکیب هر دو) گسترش پیدا کرده است: ۱- اضافه‌شدن مدول‌هایی به صفه‌ها یا اتاق‌ها و ترکیب با آنها و ۲- اضافه‌شدن فضاهای فرعی مانند ایوانچه، حیاط، زیرزمین، هشتی و دالان، اتاق و تنبی، مطبخ و آبریزگاه (معمار، ۱۳۸۵، ۶۸). بعضی از خانه‌های زواره نیز ترکیب دو الگوی چهارصفه و حوض‌خانه‌ای را با یکدیگر نشان می‌دهد که نشان از رشد متوازن اندام‌های خانه بعد از احداث چهارصفه دارد.



تصویر (۶). هنگامی که ابعاد زمین گسترش می‌یابد، لزوماً ساختار الگو و تناسبات هسته‌ی اولیه بزرگ‌تر نمی‌شود؛ بلکه در صورت نیاز، فضاهایی به آن افزوده می‌شود. موقعیت قبل و بعد گسترش فضایی خانه‌ای در زواره (معمار، ۱۳۸۵، ۳۳).



تصویر (۷). گسترش الگوی چهارصفه؛ پلان خانه‌های زواره
(معماریان، ۱۳۹۱، ۳۹۰ و ۳۹۵ و ۴۱۳؛ غفاری، ۱۳۷۹، ۶۲).



تصویر (۸). نظم هندسی چهارصفه و نظم ارگانیک فضاهای
گسترش‌یافته؛ زواره، خانه‌ی هاشمی‌نسب (غفاری، ۱۳۷۹، ۶۶).

در مجموع به نظر می‌رسد که در معماری ایرانی از جمله‌ی عوامل طولانی‌بودن عمر مفید بناها، تغییرپذیری است. تغییر در معماری سنتی ابزاری در جهت رسیدن به تداوم کارکرد آن بوده است؛ چراکه لازمه‌ی تداوم و رشد هر پدیده‌ی زنده، تغییر است. ماندگاری بنا، نگهداری آن به‌صورتی که هست و بدون اجازه‌ی تغییر، نیست؛ بنابراین تغییر به معنای مورد ذکر، روندی آگاهانه دارد که ساکنان بنا در جریان مناسب‌ساختن آن با نیازهای زیستی‌شان آن را ضروری می‌دانند.

تطبیق پذیری^۱

در مطالعه‌ی واژه‌ی انعطاف‌پذیری گفته شد که سازگاری با تغییرات جدید هم مورد نظر است. با کمی دقت در تعریف لغوی این واژگان، تفاوت و تشابه واژه‌ی تطبیق‌پذیری و سازگاری با واژه‌ی انعطاف‌پذیری آشکار می‌شود. تطبیق‌پذیری یا سازگاری در لغت به معنای «قابلیت انطباق یا اصلاح برای شرایط جدید با استفاده‌کنندگان جدید» (Oxford dictionary) است.

«سازمان‌دهی فضایی تطبیق‌پذیر، الگوهای رفتاری را در زمان‌های مختلف بدون نیاز به تغییرات کالبدی تأمین می‌کند» (عینی‌فر، ۱۳۸۲، ۷۰). بدین ترتیب وقوع بسیاری از الگوهای رفتاری انسان در فضایی واحد ممکن است. یک اتاق در یک خانه‌ی سنتی، بنا بر مبلمان قابل تغییرش می‌تواند مقاصد متفاوتی تأمین کند. همین اتاق اگر مبلمان ثابت داشته باشد، به‌ناچار دارای کارکردی اختصاصی می‌شود (لنگ، ۱۳۸۱، ۱۱۹-۱۲۰).

ثابت‌نبودن اجزای داخلی راهکاری از تطبیق‌پذیری است که در معماری خانه‌های زواره در نظر گرفته شده است. آنچه تحت عنوان چهارصفه مشهور شده است، یک ترکیب از نه واحد فضایی است که با تقسیم هر ضلع یک مربع به سه قسمت، حاصل می‌شود. واحد مرکزی، فضای مرکزی چهارصفه است. واحدهای وسطی هر ضلع، نشان‌دهنده‌ی هر صفه و واحدهای گوشه‌ای نشان‌دهنده‌ی چهار اتاق گوشه‌ای است که به‌نوعی می‌تواند از صفه‌ها یا همان ایوان‌ها، ورودی داشته باشد (غلامی و کاویان، ۱۳۹۴، ۱۵۶). در این فضا امکان ترکیب حوض‌خانه با اتاق‌های مجاور در عین استقلال فضایی خود و امکان معاشرت با دیگران از تعداد محدود تا برگزاری مراسم وجود دارد. محل تجمع خانواده در تابستان و زمستان، همان فضای صلیبی شکل چهارصفه بود. این فضا قلمروی نیمه‌عمومی خانه، با فعالیت‌هایی چون روضه‌های هفتگی، برگزاری مراسم، و نشیمن خانواده در تابستان در ارتباط با حیاط و در خدمت ساکنان بوده است. «می‌توان فضای چهارصفه را هم مانند زیرزمین نوعی کارگاه خانگی دانست. خانه‌های چهارصفه و دوصفه محل کار اهالی خانه نیز بوده است و آثار گود برک‌بافی و گلیم‌بافی نیز در ایوان اغلب این خانه‌ها

1. Adaptability

قابل مشاهده است» (همان، ۱۵۷).

مثال دیگر، تطبیق فضای میان‌خانه با عملکردهای مورد نیاز است. در اطراف زواره (روستای تلک‌آباد) چهارصفه‌هایی با میان‌خانه‌ی باز وجود دارد. در روزهای سرد و آفتابی روی میان‌خانه پارچه یا تخته‌ی چوبی قرار می‌دادند؛ ولی در شب‌های تابستان روی آن را نمی‌پوشاندند. در خانه‌های دارای سرداب، در تابستان با ایجاد دریچه‌ای در کف میان‌خانه، هوا از طریق آن از میان‌خانه به سرداب که دمای کمتری دارد می‌رود و در بازگشت باعث کوران هوای خنک می‌شود. در این صورت فضای چهارصفه از نظر تهویه مطلوب‌تر است. بدین ترتیب بخشی از نیازهای مسکن سنتی از طریق انطباق زندگی با تغییرات تأمین می‌شد؛ بنابراین تطبیق‌پذیری تا حد بسیاری سبب تسهیل تداوم کارکرد در معماری و در نتیجه ماندگاری معماری سنتی شده است.

تنوع‌پذیری

«تنوع‌پذیری به معنای امکان استفاده‌های مختلف از فضا است، بدون آنکه تغییری در کلیت یا اجزای فضا ایجاد شود. این‌گونه انعطاف‌پذیری با دو متغیر فضا و زمان سروکار دارد؛ به‌عنوان مثال، فضای واحد مسکونی می‌تواند برای چند عملکرد به‌طور همزمان و برای عملکردهای مختلف در زمان‌های مختلف استفاده شود. تنوع‌پذیری می‌تواند از طریق طراحی نقشه‌ای با ساختار هندسی منظم، دسترسی آسان و خوانا به تجهیزات مسکن و یا از طریق تنظیم اندازه‌ی اتاق‌ها به دست آید» (بایرام‌زاده و خان‌محمدی و خوش‌نیت، ۱۳۹۲، ۶). تنوع‌پذیری به دلیل به‌وجودآوردن امکان جایگزینی کارکرد فضا در طول زمان، هماهنگی با سازه‌ی سنتی و همچنین نیازداشتن به فناوری جدید سازه‌ای برای تغییر، کاراترین راه دست‌یافتن به انعطاف‌پذیری در معماری سنتی ایران بوده است؛ مثلاً برای مساجد چهار دسته عملکرد ذکر شده است. تلفیق بنای مسجد با نوعی کاربری عمومی دیگر، از آنجا که موجب افزایش تعداد مراجعه و نیز طول مدت حضور افراد می‌شود، هرچه بیشتر زمینه‌های ارتباط و همبستگی را فراهم می‌آورد. مسجد زمانی با مدرسه که کانون آموزش علم است، به‌طور یکپارچه ساخته می‌شود و زمانی با امامزاده و مدفن

بزرگان و روحانیان ترکیب می‌شود. به‌هر ترتیب مسجد به دلیل تنوع عملکردی، از دیگر بناهای عمومی شهری متمایز می‌شود و جایگاهی ویژه در زندگی شهری می‌یابد (اهری و حبیبی، ۱۳۷۴، ۲۴). در گذشته از امکانات بالقوه‌ی مساجد و از موقعیت و جایگاه ارزشمند آن، حداکثر استفاده برای تمام ساعات شبانه‌روز می‌شد؛ اگرچه امروزه نیز در مساجد زواره فعالیت‌هایی مانند نماز جماعت، آموزش قرائت نماز و قرآن، تفسیر قرآن و سخنرانی، برگزاری جشن‌ها، عزاداری‌ها، مسابقات قرآن، جلسات پرسش و پاسخ، مشاوره‌های دینی و خانواده، کلاس‌های آموزش برای کودکان و نوجوانان و جوانان، و دیگر فعالیت‌های فرهنگی گروهی در جریان است. به‌همین ترتیب تکیه‌ها و حسینیه‌ها نیز فضاهایی انعطاف‌پذیر بوده‌اند که در طول دوره‌های زمانی به عملکردهایی گوناگون مانند برگزاری مراسم مذهبی و ایجاد فضایی برای روابط متقابل همسایگی، در مسیرهای پیاده‌ی درون‌محله‌ای، پاسخ داده‌اند. در نتیجه این فضاها که نقطه‌ی پرگار همه‌ی امکانات، خدمات و فضاهای اصلی هر شهر و محله بوده‌اند، تداوم کارکرد خود را در طول زمان حفظ کرده‌اند (نقی‌زاده، ۱۳۸۹، ۱۱۹).

در خانه‌های سنتی نیز تنوع‌پذیری با پیروی نقشه‌ی خانه از یک الگوی عام شکل‌گیری و استفاده از پیمون ممکن می‌شود (عینی‌فر، ۱۳۸۲، ۶۹). در شهر زواره حیاط خانه به دلیل قرارگیری در مرکز، محل تقسیم عملکردها بوده و قابلیت تبدیل به فضایی جمعی برای میهمانی‌ها و جشن‌ها را داشته است. این مرکزیت بیش از آنکه مرکزیت فیزیکی باشد، تمرکزی مفهومی و عملکردی است. قابلیت دسترسی به اتاق‌ها از طریق حیاط و راهروهای ارتباطی (تختگاه)، تنوع عملکردی را میسر می‌ساخته است؛ فعالیت‌های متنوعی چون روضه‌خوانی، صله‌ی رحم، دور هم جمع‌شدن خانواده‌ها در شب‌های تابستان، پخت نان و نذری، آب‌تنی کودکان در حوض، کشاورزی در مزرعه‌ی خانگی، چیدن میوه، و خلوت در خنکای گودال باغچه، از جمله‌ی عملکردهای حیاط است. بیشتر خانه‌های قدیمی حیاط‌هایی وسیع و ظرفیت پذیرش جمعیت فراوانی (حدود ۵۰۰ - ۶۰۰ نفر) را داشت. حیاط در خانه‌های چهارصفه‌ای، محل تجمع آقایان بود و فضای داخل چهارصفه هم به خانم‌ها اختصاص می‌یافت. یکی از مراسم سنتی و مذهبی مردم زواره، روضه‌خوانی هفتگی

است که در قدیم بیشتر در خانه‌ها رایج بوده است. علاوه بر روضه‌خوانی و مراسم برات،^۱ مجالس عقد و عروسی و اعیاد مذهبی هم در خانه‌ها برگزار می‌شد (طحان و صادقی‌فرد، ۱۳۹۷). در مجموع با مطالعه‌ی منابع مکتوب و منابع مادی مانند بناها و همچنین مصاحبه با مردم و استادکاران، تنوع‌پذیری فضاها در معماری سنتی ایران به‌عنوان یکی از راهکارهای مؤثر در تداوم کارکرد یک بنا کاملاً محرز می‌شود.

بدین ترتیب اگر خانه به‌گونه‌ای انعطاف‌پذیر طراحی شود که بتواند با نیازهای متغیر ساکنان در طول زمان سازگار باشد، آن‌گاه در هماهنگی با نیازها و تمایلات خانواده و پاسخگوی تمامی آنها خواهد بود. ایجاد ساختار کلی مناسب به دست معمار، راهکاری است که قابلیت تغییر پس از تکمیل مراحل ساخت، توسط ساکنان مختلف را فراهم می‌آورد. هرمان هرتزبرگ از این راهبرد به «معماری مهمان‌نواز» یاد کرده است (علی‌الحسابی و برهانی‌داریان، ۱۳۸۶، ۳۰).

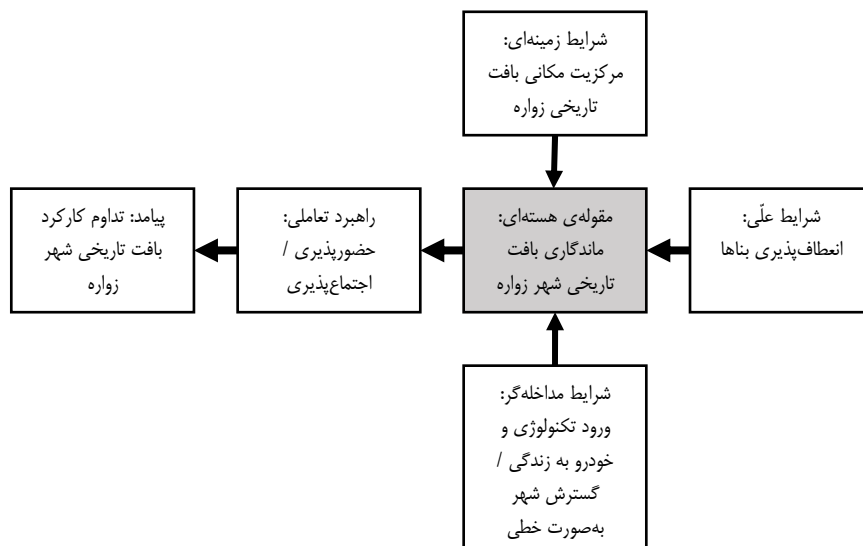
نیاز به انعطاف‌پذیری در بناها را می‌توان در زمینه‌های کارکردی، اجتماعی-روانی و اقتصادی دسته‌بندی کرد. نیازهای کارکردی با تغییر در نظام خانواده و اندازه‌ی خانوار، تغییر در شیوه‌ی زندگی، تغییر در فعالیت‌ها و تغییرات حاصل از مراحل رشد سنی اعضا و تغییر در نحوه‌ی استفاده از تجهیزات و لوازم‌خانگی و اثاثیه، به وجود می‌آید. با تغییر در نظام خانواده، خانه‌ها نیازمند تغییر می‌شوند. در خانه‌های سنتی، این تغییرات در محیط خانوادگی گسترده که گاه سه نسل متوالی را در خود جای می‌داد، ایجاد می‌شد و پاسخگویی به نیازهای حاصل از تغییر در اندازه‌ی خانوار و ازدواج فرزندان با استفاده از فضاهای مختلف خانه حاصل می‌شد (عینی‌فر، ۱۳۸۲، ۶۵-۶۶).

بدین جهت با توجه به ضرورت پیش‌بینی عمر درازمدت برای ساختمان، لازم است نیازهای طولانی‌مدت ساختمان و بهره‌برداران متفاوت آن هم در نظر گرفته شوند. بناهای انعطاف‌پذیر می‌توانند در طول سال‌های متمادی کارکرد خود را حفظ کنند و ماندگار شوند. بدین معنا امکان تغییر، ضامن ادامه‌ی حیات ساختمان است (Hees & Naldini & Roos, 2014, p.112).

۱. مراسم «برات» یکی از رسوم رایج در زواره است که در نیمه‌ی شعبان سال اول شخص متوفی برگزار می‌شود. در این مراسم با قهوه از مردم پذیرایی می‌شود.

تحلیل یافته‌های پژوهش

در روش نظریه‌ی زمینه‌ای می‌توان از مدلی مفهومی برای تفسیر رابطه‌ی بین مقولات به‌دست‌آمده از تحلیل داده‌ها استفاده کرد. در این مدل مقوله‌ها و زیرمقوله‌ها در شش دسته‌ی کلی شرایط زمینه‌ای، علی، مداخله‌گر، تعاملی و پیامدی قرار می‌گیرند (Corbin & Strauss, 2008, pp.152-156). مدل مفهومی این پژوهش در تصویر شماره‌ی ۹ آمده است.



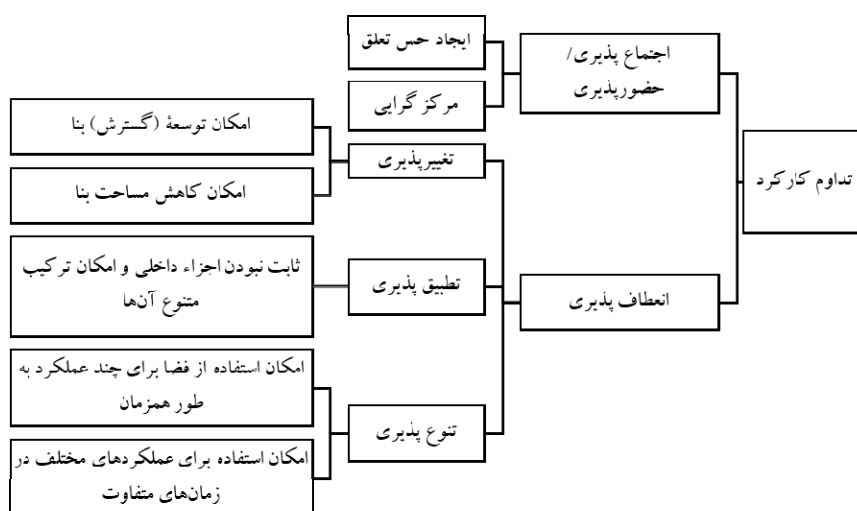
تصویر (۹). مدل مفهومی تأثیر تداوم کارکرد در ماندگاری بافت تاریخی شهر زواره،
(نگارندگان)

شرایط علی از جمله‌ی عوامل اصلی ایجاد پدیده‌ی مورد مطالعه‌اند. مقوله‌ی اصلی انعطاف‌پذیری با سه زیرمقوله‌ی تغییرپذیری و تنوع‌پذیری و تطبیق‌پذیری، از جمله‌ی شرایط علی‌اند که باعث پیامد «تداوم کارکرد بافت تاریخی شهر زواره» و در نتیجه ماندگاری بافت تاریخی شهر زواره می‌شوند. انعطاف‌پذیری و سازگاری با اهداف مختلف کاربران، عاملی مهم برای استفاده‌ی مداوم از بنا و عامل اصلی تأثیرگذار در ماندگاری بناست. مطالعات «ون هیز و همکاران» این مقوله و زیرمقوله‌های آن را تصدیق می‌کند (2014, p.112). راهبرد تعاملی به عمل‌های روتین افراد و چگونگی مدیریت موقعیت از

سوی آنها در پاسخ به مقوله‌ی اصلی اشاره می‌کند. مقوله‌ی اصلی اجتماع‌پذیری راهبردی تعاملی در جهت ماندگاری بافت تاریخی شهر زواره است. حضور مردم در مراسم مذهبی مانند تعزیه‌خوانی و نخل‌برداری در حسینیه‌های کوچک و بزرگ، وجود پاتوق‌های محله‌ای و تجمع مردم در حسینیه‌ها در بافت قدیم زواره، تجمع سالمندان در بن‌بست‌های نیمه‌خصوصی در بافت قدیم زواره، نشان از اجتماع‌پذیری بافت تاریخی شهر زواره دارد و احساس تعلق ساکنان به محل زندگی مقوله‌ای تکرارشونده در بین کدهای پژوهش است. حضور افراد در فضاها منجر به اجتماع‌پذیری فضا می‌شود و عاملی در جهت بقای بناست. ضروری است برای ماندگاری بناها و بافت تاریخی، از خاموشی و از رونق‌افتادن آن در مقیاس‌های مختلف جلوگیری شود. مطالعات وسیع انجام‌شده تأثیر اجتماع‌پذیری در ماندگاری بافت را تأیید می‌کند (کلانتری خلیل‌آباد و درخشانی، ۱۳۹۳، ۴).

شرایط زمینه‌ای شرایط بسترساز مؤثر در شکل‌گیری پدیده‌ی مورد مطالعه‌اند. شهر زواره از دیرباز در طول تاریخ گذشته‌ی خود از موقعیت ارتباطی بااهمیتی برخوردار بوده است؛ به‌طوری که راه‌های کاروان‌روی منطقه‌ای، راه‌های فرعی داخل کشوری و راه‌های اصلی، که شامل دو راه شرق به غرب است، از کنار این شهر عبور می‌کرده است. حفظ مرکزیت بافت موجب افزایش میزان حضورپذیری در فضاهای شهری می‌شود و این عامل نیز خود، ماندگاری بافت‌های شهری و بناهای موجود در آن را تا حد بسیاری تضمین می‌کند. مطالعات انجام‌شده‌ی کیانی (۱۳۶۸) و حمیدی (۱۳۷۶) نیز این زیرمقوله را تأیید می‌کند. شرایط مداخله‌گر اغلب برخاسته از احوال غیرمنتظره‌اند و شرایط را به‌نحوی تغییر می‌دهند؛ مثلاً ورود تکنولوژی و خودرو به زندگی مردم و همچنین گسترش شهر به‌صورت خطی، از جمله‌ی عوامل مداخله‌گرند. در محلات قدیمی بافت تاریخی شهر زواره، مشکل عبور و مرور و پارک خودرو وجود دارد و همین امر، در حضور و زندگی افراد در بافت در نتیجه ماندگاری آن تأثیر می‌گذارد. به‌علاوه مسائل فرهنگی مانند سرعت تغییرات ناشی از پیشرفت فناوری و تغییر نسل‌ها و چرایی عدم تمایل مردم به ادامه‌ی زندگی در بافت سنتی، از دیگر عوامل مداخله‌گر است که مورد بحث این پژوهش نبوده است. در این مطالعه عوامل کارکردی مؤثر در ماندگاری بافت تاریخی شهر زواره، در قالب دو مقوله‌ی

اصلی و پنج زیرمقوله نشان داده شد (تصویر شماره ۱۰). پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی به ارائه‌ی راهکارهای دقیق مبنی بر ماندگارکردن بافت‌های تاریخی و طراحی بنا و بافت ماندگار پرداخته شود.



تصویر (۱۰)

نتیجه‌گیری

از علل اصلی ماندگاری بناها، تداوم کارکرد آنها در دوره‌های مختلف است. بدین ترتیب بخشی از آنچه بافت تاریخی شهر زواره را تا به امروز زنده نگه داشته و از آن حفاظت کرده است، ویژگی‌هایی چون حضورپذیری و انعطاف‌پذیری بوده که در عمل موجبات تداوم کارکرد بناها را فراهم آورده است. متروک ماندن بناها از علل مهم نابودی آنهاست. بدین معنا، بنا یا بافت تاریخی تا زمانی زنده است که کارکرد آن برقرار باشد؛ از این‌رو بهترین راه برای محافظت از بناها و بافت‌ها، تداوم‌بخشیدن به استفاده از آنهاست.

اجتماع‌پذیری بافت تاریخی شهر زواره باعث ایجاد حس تعلق ساکنان به آن می‌شده است؛ بنابراین مردم به ادامه‌ی زندگی در بافت تاریخی تمایل می‌داشته‌اند و در نتیجه برای حفاظت و همچنین ارتقای بناهای عمومی و خانه‌ها متناسب با نیازهای روز خود تلاش

می‌کرده‌اند. از سویی مرکزیت بنا و بافت تاریخی شهر زواره، چه از نظر مکانی و چه از نظر کارکردی، حضورپذیری معماری را سبب می‌شود و در نتیجه موجب تداوم کارکرد در کالبد می‌شود. به عبارتی دیگر، حضور فعال مردم شهر زواره امکان استفاده‌ی مثبت از آثار معماری شهر و در نتیجه ماندگاری آن را موجب می‌شود.

ضمن آنکه ایجاد تغییراتی که بناها را پاسخگوی نیازهای جدید کند، در این راستا عامل تأثیرگذار بوده است. معماری در طول زمان با نیاز به تغییر و توسعه مواجه بوده و تغییرات عملکردی، تغییر کاربران، تغییر در بافت پیرامونی و مواردی از این دست در طول تاریخ، نیاز به بعضی تغییرات در بناها را ناگزیر می‌کرده است. بناهای تاریخی شهر زواره مانند مساجد و حسینیه‌ها و بازار، بسته به طول عمرشان عموماً نسبت به نیازها از خود واکنش نشان داده و خود را با این نیازها تطبیق داده‌اند. هدف از پیش‌بینی این‌گونه امکان‌های تغییر، ایجاد امکان تداوم کارکردهای قبلی بنا و سازگارکردن بناها با شرایط جدید و نیازهای جاری زندگی بوده است؛ شرایط و نیازهایی که با انتظارات زمان ساخت بنا، تفاوت‌هایی داشته است. در واقع تداوم کارکرد معماری به‌عنوان هدف اصلی برای ماندگاری آن، در گرو این سازگاری دیده شده است. بدین‌گونه، با درک بهتر از مفهوم انعطاف‌پذیری و جست‌وجوی راهکارهای آن در معماری سنتی شهر زواره، امکان استفاده‌ی بهینه از فضاهای طراحی‌شده در دوره‌های زمانی متمادی فراهم شده و در نتیجه می‌توان به ماندگاری بناهای معاصر نیز تا حد بیشتری امیدوار بود.

منابع و مآخذ

- الکساندر، کریستوفر، (۱۳۸۶)، معماری و راز جاودانگی، ترجمه‌ی مهرداد قیومی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- اهری، زهرا؛ حبیبی، محسن، (۱۳۷۴)، «معماری شهری مسجد در مکتب اصفهان (دستور زبان و واژگان)»، مرکز اطلاعات علمی، ش ۱، صص ۲۲-۳۷.
- بایرام‌زاده، حمید؛ خان‌محمدی، محمدعلی؛ خوش‌نیت، سعید، (۱۳۹۲)، «مسکن، پایداری و الگوهای انعطاف‌پذیری»، در: همایش ملی معماری و شهرسازی و توسعه‌ی پایدار با محوریت / از معماری بومی تا شهر پایدار، مشهد، صص ۱-۱۲. قابل دسترس در: <https://civilica.com/doc/239432>
- بهشتی، سید محمد، (۱۳۷۸)، «نسبت ظاهر و باطن در معماری ایرانی»، مجموعه مقالات دومین کنگره‌ی تاریخ معماری و شهرسازی / ایران، ج ۲، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- بهزادفر، مصطفی؛ طهماسبی، ارسلان، (۱۳۹۲)، «شناسایی و ارزیابی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر تعاملات اجتماعی تحکیم و توسعه‌ی روابط شهروندی در خیابان‌های شهری: نمونه‌ی موردی مطالعه‌ی سنندج»، باغ نظر، سال ۱۰، ش ۲۵، صص ۱۷-۲۸.
- پورجعفر، محمدرضا، (۱۳۸۲)، «جاودانگی در شهرسازی با نگاهی به شهر رم»، ماهنامه‌ی شهرداری‌ها، ش ۵۴، صص ۵۱-۵۴.
- ثقه‌الاسلامی، عمیدالاسلام؛ امین‌زاده، بهناز، (۱۳۹۰)، «بررسی تطبیقی مفهوم و اصول به‌کاررفته در محله‌ی ایرانی و واحد همسایگی غربی»، هویت شهری، ش ۱۳، صص ۳۳-۴۴.
- حبیبی، محسن، (۱۳۸۲)، «چگونگی الگوپذیری و تجدید سازمان استخوان‌بندی محله»، مجله‌ی هنرهای زیبا، ش ۱۳، صص ۳۲-۳۹.
- حمزه‌نژاد، مهدی؛ شریفیان، زهرا، (۱۳۹۵)، «ارزیابی تطبیقی معیارهای سنتی و جدید اجتماع‌پذیری و تحقق آن در دو محله‌ی سنتی و جدید؛ مطالعه‌ی موردی: محله‌ی جلفا، سپاهان شهر اصفهان»، فصلنامه‌ی مطالعات شهر ایرانی/اسلامی، صص ۷۱-۸۸.
- حمیدی، ملیحه، (۱۳۷۶)، استخوان‌بندی شهر تهران، تهران: سازمان مهندسی و عمران شهر تهران.
- شجاعی، دلارام؛ پرتوی، پروین، (۱۳۹۴)، «عوامل مؤثر بر ایجاد و ارتقای اجتماع‌پذیری در فضاهای عمومی با مقیاس‌های مختلف شهر تهران (نمونه‌ی موردی: فضاهای عمومی دو محله و

- یک ناحیه در منطقه‌ی ۷ تهران»، باغ نظر، س ۱۲، ش ۳۴، پاییز، صص ۹۳-۱۰۸.
- شفیعیان‌داریانی، فائزه؛ پورجعفر، محمدرضا؛ قبادی، علی‌رضا، (۱۳۹۳)، «مفهوم ماندگاری در معماری اسلامی و مقایسه‌ی آن با مفهوم پایداری در معماری معاصر»، پژوهش‌های معماری اسلامی، ش ۵، صص ۳۲-۴۸.
- عباسی‌هرفته، محسن، (۱۳۹۳)، «یگانگی و جاودانگی سنت معماری»، در: رواق نظر (ده مقاله در معماری)، زیر نظر هادی ندیمی و محمدرضا اولیاء، تهران: ترجمه و نشر آثار هنری (متن)، صص 252-268.
- _____، (۱۳۹۴)، شرحی بر سنت حفاظت معماری در ایران، یزد: دانشگاه یزد.
- علی‌الحسابی، مهران؛ برهانی‌داریان، فرناز، (۱۳۸۶)، «مسکن انعطاف‌پذیر»، مسکن و محیط روستا، ش ۱۱۷، صص ۲۰-۳۵.
- عینی‌فر، علیرضا، (۱۳۸۲)، «الگویی برای تحلیل انعطاف‌پذیری در مسکن ایران»، نشریه‌ی هنرهای زیبا، ش ۱۳، صص ۶۴-۷۷.
- غفاری، علی، (۱۳۷۹)، زواره نمادی از اسطوره‌ی کویر، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- غلامی، غلام‌حسین؛ کاویان، مجتبی، (۱۳۹۴)، «بررسی جایگاه الگوی چهارصفه در سازمان فضایی معماری مسکونی ناحیه‌ی گرم و خشک ایران»، مسکن و محیط روستا، ش ۹۵، صص ۱۴۹-۱۶۱.
- کلانترمهرجردی، نگار، (۱۳۸۸)، «مانایی و دوام متناسب»، فصلنامه‌ی معماری و ساختمان، صص ۴-۹.
- کلانتری‌خلیل‌آباد، حسین؛ درخشانی، نجلا، (۱۳۹۳)، «راهبردهای پایداری کالبدی - اجتماعی در محلات تاریخی؛ مطالعه‌ی موردی: محله‌ی عودلاجان تهران»، فصلنامه‌ی مطالعات شهری، ش ۱۰، صص ۳-۱۴.
- کیانی، محمدیوسف، (۱۳۶۸)، شهرهای ایران، ج ۳، تهران: چاپخانه‌ی فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- گلبن، محمد، (۱۳۸۱)، اردستان‌نامه، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- لنگ، جان، (۱۳۸۱)، آفرینش نظریه‌ی معماری: نقش علوم رفتاری در طراحی محیط، ترجمه‌ی علیرضا عینی‌فر، تهران: دانشگاه تهران.
- طحان، هادی؛ صادقی‌فرد، رضا، (۱۳۹۷)، عوامل تأثیرگذار بر ماندگاری بافت تاریخی شهر زواره، مصاحبه‌ی شخصی با استادکاران سنتی، مصاحبه‌کننده: سیما خالقیان، سه‌شنبه ۲۱

فروردین.

- معمار، مازیار، (۱۳۸۵)، «خانه‌ی ایرانی: طراحی الگویی خانه در مناطق مرکزی ایران»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی/ارشد، به راهنمایی حمید ندیمی، دانشکده‌ی معماری، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان.

- معماریان، غلامحسین، (۱۳۹۱)، *آشنایی با معماری مسکونی ایرانی (گونه‌شناسی درون‌گرا)*، تهران: سروش دانش.

- نصراللهی، فرشاد، (۱۳۹۲)، «مسجدجامع زواره: معرفی و تحلیل ساختار کالبدی»، *مجله‌ی اثر*، ش ۶۲، صص ۸۷-۱۰۶.

- نقی‌زاده، محمد، (۱۳۸۹)، *تحلیل و طراحی فضای شهری (مبانی، تعاریف، معیارها و شیوه‌ها)*، تهران: جهاد دانشگاهی.

طرح

- شهرداری زواره، (۱۳۶۷)، *طرح‌های هادی*، جهاد دانشگاهی دانشکده‌ی هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.

- Celadyn, W, (2015), Durability of buildings and sustainable architecture, Czasopismo Techniczne.
- Corbin, Juliet; Strauss, Anselm, (2008), *Basics of Qualitative Research: Techniques and procedures for Developing Grounded Theory*, Thousand Oaks, San Jose State University, USA.
- Dias, W. P. S., (2003), *Useful life of buildings*, Department of Civil Engineering University of Moratuwa.
- *Distribution & Logistics Management*, 42 (10), pp.887-905.
- Gehle, J.; Lars, G., (2004), *Public Spaces, Public Life*, Melbourne: The Danish Architectural Press.
- Hees, Van; R. Naldini, S.; Roos, J., (2014), *Durable past-sustainable future*, TU Delft.
- Huang, S-C.L., (2006), "A Study Of Outdoor Interactional Spaces in High-Rise Housing", *Landscape and Urban Planning*, No 78, pp.193-204.
- *Merriam-Webster's collegiate dictionary*, (1993), Springfield, MA: Merriam-Webster.
- *Oxford Dictionary of English*, (2010), Publisher: Oxford University Press; 3rd edition (September 2).
- *The American Heritage Dictionary of the English Language*, (2019), Publisher: Houghton Mifflin Harcourt, hmhbooks.com
- Touw, Katrina, (2006), *Firmitas re-visited: Permanence in Contemporary Architecture*.
- Wieland, A.; Wallenburg, C., (2012), "Dealing with Supply Chain Risks", *International Journal of Physical*.
- www.hosseiniebozorg.com